

## شرایط حاکم بر محیط های دانشجویی در آستانه گشایش دانشگاه ها

شهریورماه ۱۳۸۹

### مضحکه دیدارخامنه ای و دانشجویان در آستانه بازگشایی دانشگاه ها

تحولات سال گذشته، هم چون صفیر تیری که از بغل گوش کسی عبور کرده باشد، زنگ خطر را برای رژیم به صدا در آورد. اگر هیچ کس نداند، خود حکومت خوب میدانند نظامی که حمایت و همراهی نسل جوان، بویژه دانشجویان و دانش آموزان را از دست داده باشد، ولو آن که بتواند به زور سرنیزه و چنگ و دندان زمان حال را سپری کند، فاقد آینده است. از همین رو تمرکز روی دانشگاه ها و دانشجویان، مدارس و دانش آموزان و در همین رابطه گزینش معلمان از اهمیت بسزائی در آن چه که محتوای باصطلاح یک انقلاب فرهنگی تازه ای را تشکیل می دهد، برخوردار است. عناصر این انقلاب ضدفرهنگی را تصفیه اساتید (و گزینش آنها از طریق یک هیئت مرکزی)، بازنگری در محتوای دروس آموزشی بویژه در عرصه علوم اجتماعی جهت پیوند تنگاتنگ دانش و مذهب (و از جمله بین حوزه و دانشگاه و مدرسه) و بالأخره تشدید فضای کنترل و سرکوب دانشگاه ها تشکیل می دهد. آن چه که این انقلاب ضدفرهنگی جدید را از انقلاب ضدفرهنگی گذشته متمایز می کند، آن است که آن پروژه بدلیل تسلط رژیم بر جامعه و صورت گرفتار در فضائی که هنوز دارای پایگاه کمابیش وسیعی در میان مردم بود، در تمایز کیفی با شرایطی است که اکنون وجود دارد. چنان که امروزه سبب از دست دادن موقعیت عمومی در جامعه، دستور کار این باصطلاح انقلاب فرهنگی، یک امر سراسری بوده و دربرگیرنده اکثریت جوانان و افراد جامعه ای است که تحت تأثیر فتنه داخلی و توطئه دشمنان خارجی قرار گرفته اند، و از طریق بازآموزی، اجراء طرح هائی هم چون عفاف و حجاب و هدایت کنترل شده تر رسانه های عمومی و البته در رأس همه آن ها بگروه بند و شکنجه و اعدام .... علاوه بر این، فرض بر این بود که نسل اول جوانان در نظامی غیر اسلامی پرورش یافته بودند و حال آن که نسل های بعدی که در دامن خود جمهوری اسلامی متولد شده اند، آمادگی بیشتری برای جذب ارزش ها و در واقع شستشوی مغزی و آموزشی دارند. و از همین رو نیاز مجدد رژیم به "انقلاب فرهنگی" تازه، قبل از هر چیز علیرغم فراافتنی های رژیم در مورد و علل روی کرد جوانان به سکولاریسم و دوری از ارزشهای مذهبی، و نسبت دادن آن به عواملی هم چون دشمن خارجی و یا ناخالصی دولت مردان دیروزی، به معنی اذعان به شکست کامل برنامه ها و عملکرد خود رژیم در طی سه دهه اخیر است. از سوی دیگر، اگر در "انقلاب فرهنگی" گذشته هدف مشخص و توجیه کننده ای وجود داشت و در کنار سرکوب، اهرم هژمونی بیرون از دانشگاه ها برای اعمال اتوریته و تغییر فضای درونی دانشگاه ها، متصور بود که در ترکیب با زور عمل می کرد، امروزه تمایزی بین فضای درونی و بیرون دانشگاه ها وجود ندارد و بهمین دلیل اهرمی هم جز جز توسط به مزدوران بسیجی و نیروهای سرکوب در اختیار آنان نیست. اهرمی که به هر دردی بخورد ببرد انقلاب فرهنگی نمی خورد. و این البته بیانگر سترونی کامل سودای انقلاب فرهنگی در دوران انحطاط و فرتوتی نظامی است که عمرش به سر آمده است. باین همه مساله مرگ و زندگی در میان است و همین سبب می شود که رژیم تمامی توش و توان خود را هم چون تلاش بی سرانجام سیزیف برای قراردادن یک کره سنگی غول پیکر بر نوک قله، بامر ناممکنی هم چون بازآموزی نسل های جدیدی که حامل راستین ارزش های عهد عتیق اسلامی باشند، بکار گیرد. نسلی که از طریق مشاهده نتایج آموزه های مذهبی پی به بطلان و غیر عقلانی بودن آنها برده اند و البته بهمین دلیل این نوع تلاش های مذبحخانه، نه فقط فاقد هیچ جنبه ایجابی که بتواند توهمی برانگیزد نیست، بلکه جنبه تخریبی و ویرانگری آن در کوبیدن مظاهر عقلانی و تمدن بشری و "طالبانی" شدن برجسته ترمی شود. بهمین دلیل آنها همدوش سپاه با تشبیه عرصه فرهنگی به صحنه جنگ و دراصل آمیزه ای از جنگ نرم و سخت، گشودن جبهه جدیدی به نام جبهه جنگ نرم تاکتیک و استراتژی معطوف جنگ باصطلاح نرم را پیشه کرده اند. شب و روز هم چون اشباح نامرئی و یا هم چون آسیاب های بادی با اجراء حمله و ضدحمله و آمیزه ای از جنگ نرم و گرم هجوم می برند.

در همین راستاست که این روزها هذیان گوئی های وزیر علوم و تحقیقات که مسؤل مستقیم رسمی پیش برد این پروژه ضدفرهنگی در دانشگاه های کشور است باوج خود رسیده است. که او با استفاده

از فرصت تعطیلات تابستان به تصفیه رؤسای بیست دانشگاه و پژوهشگاه پرداخته است و حدود ۳۸ دانشگاه دیگر را نیز بزودی در دستور کار خود قرار خواهد داد، می گوید:

ما عهد بسته ایم در دانشگاه‌هایمان در مسیر ولایت حرکت کنیم یعنی وقتی حضرت آقا فرمایشی را مطرح کردند و صددرصد مخالف نظرمان بود سماعاً و طاعتاً در عمل بپذیریم. به زعم وی ماموریت دانشگاه‌ها تربیت انسان‌هایی منطبق با معیارهای اسلامی است. جذب اساتید از طریق هیأت مرکزی و بازنگری متون درسی به ویژه در علوم انسانی و تدوین آنها بر اساس مبانی اسلامی و ایجاد برنامه های فوق برنامه ای بازآموزی و... همه و همه بخشی از گام های اساسی این پروژه "انقلاب فرهنگی تازه" بشمار می روند. البته اگر آنها پس از سالها جستجو و اتلاف انرژی دریافتن اقتصاد اسلامی موفق شدند و نشانه این موفقیت را نیز در پناه بردن به آزادسازی کامل قیمت‌ها می توان مشاهده کرد، در دست یابی به سراب علوم اسلامی نیز موفق خواهند شد!

مضحکه آمیز بودن این سودا را می توان در دیدار خامنه ای با صدها دانشجوی گزینشی و دست چین شده مشاهده کرد. اوطی سخنانی اظهار داشت: گفته می شود در دانشگاه‌ها برخوردهای انضباطی و امنیتی صورت می‌گیرد. من نمی‌دانم چه جور برخورد تندی از لحاظ انضباطی و امنیتی در دانشگاه شده، اما این را می‌دانم که بالاخره در دانشگاه انضباط لازم است. حالا اگر يك وقت در يك جایی در باب انضباط و اعمال انضباط يك خرده تندروری بشود، من نمی‌دانم - ممکن هم هست - لیکن بالاخره انضباط هم لازم است، امنیت هم لازم است. نمی‌شود محیط دانشگاه را رها کرد. آماج خیلی از توطئه‌های دشمن، اصلاً محیط دانشگاه است. خود شما دانشجویان بدانید که توی آن دایره‌ی قرمز قرار دارید. گاهی اوقات توی عکسها یا توی فیلمها وقتی می خواهند يك نقطه‌ای را مشخص کنند، با دایره‌ی قرمز مشخص می کنند. دشمن، شما دانشجویان را توی دایره‌ی قرمز گذاشته، مشخصتان کرده؛ اصلاً خیلی از برنامه‌ها برای شماست؛ برای لغزاندن شما، برای منحرف کردن شما، برای بی‌خیال کردن شما نسبت به سرنوشت کشور و مصالح انقلاب. چطور می‌شود دانشگاه‌ها را از نظر دور داشت؟ خوب، بالاخره باید توجه باشد. بله، به نظر ما تندروری و زیاده‌روی در هیچ کاری خوب نیست (احتمالاً حمله به کوی دانشگاه که خامنه ای درجائی شهادانه قول پیگیری آن را می دهد) ربطی به فضای امنیتی دانشگاه ندارد و توسط موجودات سایر کرات آسمانی صورت گرفته است.

برای آنکه مفهوم دانشجو و فضای مورد نظر خامنه ای از منظر رژیم آنهم در اوج انحطاط حکومتی روشن شود، نگاهی به شعارها و یاوه های این دلچکان دست آموز که به عنوان دانشجو جمع آوری شده اند بسیار گویاست: خبرگزاری های وابسته به رژیم (و از جمله خبرگزاری فارس) تصویر زیر را از فضای این دیدار گزارش می دهند:

"یکی از اعضای يك اتحادیه دانشجویی شعری را که برای این دیدار آماده کرده، به همراه سایر دانشجویان حاضر در حسینیه همخوانی می‌کند. این‌بار محمدرضایتی دانشجوی دانشگاه شاهد عهده‌دار این موضوع شده بود. دانشجویی که مداح هم هست و البته نمی‌دانم شاعر شعرش هم خودش بود یا دیگری. اما هم شعر خوب بود و هم صوت": ای، رهبر من/ بی‌قرار بی‌قرارم/ باز، آمدم تا روی پایت سر گذارم/ دستی بکش روی سر ما/ هم رهبری هم دلبر ما/ ای عزیز مادر ما (۲) / یابن الزهرا (۲) // با، عشق مولا/ از همه عالم گسستیم/ ما، پیرو این مکتب اسلام هستیم/ ما آمدیم، دیدارت آقا/ از دور این، رخسارت آقا / می‌شویم عمارت آقا (۲) / یابن الزهرا (۲) / در، ماه رحمت/ بر لبم دارم دعایی / کاش، با تو آقا/ من شوم کرب و بلایی/ در سایه، اسلام و قرآن/ در هر کجا، از خاک ایران/ ذکر ما شد یا حسین جان (۲) // یابن الزهرا (۲) / یا حجت‌الله/ با زبان روزه دارم/ تو، خود دعا کن/ جان دهم من در کنارت/ یابن الحسن، هستی امیرم/ آقا بیا، تا جان بگیرم/ در رکاب تو بمیرم (۲) // یابن الزهرا (۲) // یابن الزهرا، یابن الزهرا" (یاوه های یک "دانشجو-مداح" واقعی که دست منصورامانی‌ها و سعید حدادی‌ها را از پشت بسته است. چنانکه پیداست "امام خامنه ای" جای "امامان معصوم" را گرفته است).

به توصیف خیرگزاری جیره خوار همه به نحوی نشسته‌اند تا" حضرت ماه " را ببینند. روی حضرت آقا ۲ ثواب نهفته است. در احادیث نگاه کردن به چهره مومن نگاه مأجور ذکر شده و از همین سنخ است نگاه به چهره حاکم عادل. و این هر دو در حضرت ماه جمع است.

درواقع انگیزه جمع کردن این دلچکان و جان نثاران در دربار ولایت که حسینی می نامندش و این سربه پای آقا افتادگان، هدفی جز مجیزگویی برای حضرت آقا و ایجاد یک اقتدار کاذب برای ابهت بهم ریخته شده ای که مرگ برخامنه ای شاه بیت آن است و با هزاران جوک و فحش روزانه همراه است، نیست. از این روست که بادیدن چهره تابان سردار خراسان اشک بر چهره این نواله خواران در جستجوی بهره گرفتن از رانت قدرت جاری می شود و دستهایشان به هنگام خواندن متن می لرزد و زبانیشان بهنگام ادای کرنش و احترام دچار لکنت می شود. بر طبق گزارش ها آنها یک ضرب حدود ۴۵ دقیقه به دادن شعارها و همخوانی ها و نثار صلوات برای آقا ادامه داده اند که با احتساب بقیه دم تکان دادن ها به بیش از یکسوم زمان کل ملاقات می رسد. عنوان پرطممقراق و دهان پرکن مأموریت آنها در فضای جدید افسران جنگ نرم است، که خامنه ای لوح آن را بوسید و اعلام داشت که تاین دندان از این تعبیر خرسند بوده و از تکرار آن توسط مجریان لذت می برد!

رهنمودهای مشعشانه!

البته نگاهی از جانب مقابل به رهنمودها و افاضات "مقتدا" در پاسخ به سوالهای از قبل طراحی شده نیز خالی از لطف نیست: او که گویا هنرش را در حل تناقضات لاینحل از طریق آمیختن مفاهیم متضاد به یکدیگر خلاصه کرده است، در مورد سوالی پیرامون مشی اخیرش پیرامون وحدت از سوئی و ضرورت خلوص و خالص شدن از سوی دیگر می گوید هر دو باید انجام شود این دو مغایر هم نیستند. مثلا تنشی که اخیرا حول صف آرائی پیرامون سخنان صدیقی امام جمعه تهران که برای گفتگو با مخالفین جهت جذب حداکثری رهبری مطرح شد که در سوی مقابل با انتقاد و هشدار کیهان مواجه گردید که این حکم رهبری شامل وحدت با سران فتنه نمی شود و بلکه بیشتر برای جمع و جور کردن صفوف خودی های پراکنده است؛ لابد با این راهبرد جدید "حضرت آقا" دیگر بلا موضوع است.

از دیگر گره گشائی های رهبری گشودن معمای تناقض بین ضرورت پویا بودن "دانشجویان" و دفاع از ارزش ها و موازین "انقلاب" و مساله انتقاد از مسولین است به نحوی که موجب شائبه جلوتر دیدن از رهبری پیش نیاید. که البته این هم با روشن کردن فرق بین سوال و معارضه و اینکه دانشجویان وظیفه معارضه با دستگاه ها را ندارند، بالکل حل شد. بر این اساس آنها تنها می توانند سوال بکنند و خواهان پاسخ بشوند. طبق تبعات این رهنمود مناظره ها نیز نباید نه در رادیو و تلویزیون و در انتظار عمومی بلکه در میان خبرگان و محیط های در بسته صورت گیرد.

### علنی کاری رهبری

با داغ شدن نزاع جناحها و دامنه خرج کردن از "حیثیت" رهبری توسط هر کدام، خامنه ای لازم دانست در پاسخ یکی از سوالها ادعا کند که گویا وی اصلا مواضع پنهان ندارد و استناد هر سخنی به غیز از مواضع علنی او در حکم گناه کبیره است. در همین رابطه با تعیین نرخ در میان دعوا و در ارتباط با قتل های زنجیره ای سال ۷۸ اظهار داشت چند سال پیش قتل اتفاق افتاده بود. دشمنان گفتند که این قتل ها با يك فتوا انجام شده تا از این طریق پای رهبری را وسط بکشند. من همان موقع در نماز جمعه گفتم اگر احساس کنم کسی لازم القتل است، من در نماز جمعه علنی خواهم گفت (و چه جسارت عظیمی!). بگذریم از اینکه که مصلحت حفظ نظام که بقول وی از واجب و اجبات است، هر حکمی را تجویز می کند.

البته این همان تاکتیک بی سرانجامی بود که برای تبرئه شاه از جنایت و اشکالات بوجود آمده می گفت شاه خودش خوب است و اطرافیان بد هستند. خامنه ای هم که با ارتکاب جنایت های به مراتب بیشتر و با اینهمه دم و دستگاه امنیتی تحت کنترل خود تلویحا مدعی است که روحش از این گونه جنایتها بی اطلاع است. باین ترتیب معلوم نیست که آنها در زیر فرمان کدام رهبر جنایتکار عمل می کنند و چرا معلوم نیست که هرگاه هواپس می شود چند نفری را به عنوان مسبب و عامل و آمر به روی صحنه می آورند با هدف مشغول کردن افکار عمومی به عنوان مسبب واقعی جنایت ها. البته در مورد قتل های زنجیره ای بانگرانی از افساء شدن راز سربه مهر قتلها دیدیم که سعید امامی را چگونه سربه نیست

کردند تا فتوادهندگان اصلی مصون بمانند. غافل از آنکه برای برخ کشیدن اقتدار ولایت مطلقه اش، در همین سخنان نیز اصل لازم القتل بودن را به رسمیت می شناسد و خود را محق می داند که حتی جدا از نهادها و قوانینی که بنام او بدستوری عمل می کنند، دستور مستقیم واجب القتل بودن را هر موقع لازم باشد صادر خواهد کرد.

**بازتاب تضادهای درونی رژیم در میان تشکل ها و نهادی وابسته به رژیم در محیط های دانشگاهی:**  
در پی دیدار خامنه ای با دانشجویان، احمدی نژاد هم به نوبه خود برای سروسامان دادن به حامیان خود در میان دانشجویان بسیجی و حزب الهی، پس از سه سال یک ضیافت افطار و البته به شیوه ای کاملاً گزینشی مبادرت کرد. در این رابطه وی با مشکل خاصی هم مواجه بود: نه فقط سالهاست که در نزد قاطبه دانشجویان منزوی و منفور است و بارها ناچار شده که از صحن دانشگاه به گریزد، بلکه علاوه بر آن پیرو دسته بندی های درونی اصول گرایان تنش او با شماری از این تشکل های رسمی باوج تازه ای رسیده است. همان مشکلی که در حین برگزاری مراسم بیت خامنه ای نیز انعکاس علنی یافت و شماری از نمایندگان این تشکل های وابسته به حاکمیت با بیان اینکه دلمان از راست و چپ دولت خون است لب به شکایت و انتقاد گشودند. البته سیاست خامنه ای در این رابطه عدم ورود آشکار به این حوزه ها و بسنده کردن به اشارات تلویحی و گذرا بود. از یکسو بطور ضمنی اشکالاتی را در این رابطه می پذیرفت و از سوی دیگر می گفت که باید مساله را اصل و فرع کرد. باین همه بطور آشکار حمایت وی از دولت نسبت به روال تاکنونی ضعیف تر و کمرنگ تر بود.

در چنین وضعیتی شکاف موجود بین احمدی نژاد و تشکل های وابسته به حاکمیت با برگزاری این مراسم آشکارتر از هر زمانی خود را نشان داد. چنان که این تشکل ها، دولت را متهم به دور زدن خود و برخورد گزینشی و مهندسی شده کردند.

مثلاً زعم زاده دبیر سیاسی اتحادیه انجمن های اسلامی مستقل سراسری با اشاره به اینکه برخی عناصر مشکوک در دولت همان نگاهی را به جنبش دانشجویی دارند که دولت اصلاحات داشت، تاکید کرد: این افراد به دنبال بهره گیری از جنبش دانشجویی هستند و قصد دارند همچون دولت اصلاحات از جریان دانشجویی به عنوان پیاده نظام خود استفاده کنند، اما جنبش دانشجویی با حفظ استقلال خود هرگز اجازه نخواهد داد که این عناصر مشکوک در بدنه جنبش دانشجویی نفوذ پیدا کنند.

از رئیس جمهور انتظار داریم که این حرکت های نامطلوب را در نطفه خفه کند و اگر قرار است این رویکردها ادامه پیدا کند آسیب های جدی میان ریاست جمهوری و دانشجویان پیش خواهد آمد. وی در پایان خاطر نشان کرد: در این خصوص صریحاً به شخص رئیس جمهور هشدار می دهیم که اگر اینگونه اقدامات از سوی دفترش صورت گیرد، آقای احمدی نژاد پشتوانه تشکل های دانشجویی را از دست خواهد داد.

دبیر تشکیلات اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل با اعلام این که تشکل متبوعش به همراه دیگر اتحادیه های بزرگ دانشجویی کشور شامل دفتر تحکیم وحدت، جنبش عدالتخواه دانشجویی و بسیج دانشجویی از سوی دفتر ریاست جمهوری برای حضور در این جلسه دعوت نشده اند، حضوری در این مراسم نخواهند داشت.

دبیر سیاسی اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل سراسر کشور با بیان اینکه رای به احمدی نژاد رای به یک شخص نبود بلکه رای به گفتمان عدالت بود، اظهار داشت: جنبش دانشجویی در زنده نگه داشتن و تشریح عدالت خواهی نقش مؤثری داشت و همین جریان دانشجویی یکی از عوامل روی کار آمدن دولت نهم و دهم بود.

**شرایط حاکم بر محیط دانشگاهی و جامعه در آستانه گشایش دانشگاه ها چیست؟**

مهمترین مولفه ها عبارتند از:

الف- حاکمیت بیش از هر زمانی درگیرودار تلاش برای یک انقلاب ضدفرهنگی دوم است. این " ضدانقلاب" توأمان وجهه دانشگاهی و بیرون دانشگاهی دارد و علیرغم برخی خود ویژگی ها بخشی از یک اقدام و سرکوب سراسری محسوب می شود. تلاشی است سترون و فاقد عنصر اثباتی و لاجرم شکست خورده؛ باین وجود دارای جنبه های تخریبی متعدد و ویرانگرانه است. بنابه سرشت سراسری آن،

مقابله با آن نیز سراسری و دارای وجوه درون و بیرون دانشگاهی است. بدون ترکیب یک استراتژی معطوف به هر دو عرصه، جنبش دانشجویی قادر به عبور از آن نخواهد شد.

ب- شکاف های درونی و فزاینده رژیم در میان پایگاه دانشجویی اش بازتاب داشته و آنها را به رقابت و مقابله با یکدیگر می کشاند و همین جدالها به نوبه خود فرصت مناسبی برای بهره گیری از این شکاف ها بسود حرکت و حضور مستقل دانشجویی فراهم می سازد که بدیهی است که خود دانشجویان در صحنه عمل بهتر از هر کسی قادر به تشخیص و بهره برداری از آن بسود تحکیم صفوف خود و آشفتن صفوف حریف هستند. ماهیت این تضادها البته تصرف انحصاری فضاهاى دانشگاهی در راستای پیش برد سیاست واحد انقلاب ضد فرهنگی و واپسگرایانه توسط هر کدام از آنها است. در کنار فرصت فوق، تشدید شکاف بین رژیم و مردم و هم چنین تنش های بین المللی نیز به نوبه خود فرصت های تازه ای را برای نفس کشیدن جنبش دانشجویی در زیر سرکوب مستمر و سختی که با آن مواجه است می گردد.

ج- ویژگی مهم جنبش تعمیق خصلت ضد استبدادی - مطالباتی آن است. در چنین شرایطی مطالبات بنیادی آزادی و عدالت و برابری اجتماعی به مثابه گفتمان در حال تعمیق بیش از پیش میدان وزمنیه عمل پیدا می کند. جراحی اقتصادی آزادسازی قیمت ها و رها کردن حمایت های اجتماعی، به مثابه یک بمب انفجاری ساعت شمار، بیش از پیش توجه به پیوند جدانشدنی این دورا در دستور جنبش قرار داده است. رابطه گفتمان با اصطلاح عدالت محور رژیم و دولت حاکم و تشکل های دانشجویی وابسته به آنها اکنون بیش از هر زمانی دروغین و بی اعتبار بودن خود را عیان کرده است؛ هم چنان که گفتمان صرفاً "آزادی" محور بدون پیوند عمیق با مطالبات بنیادی و عدالت خواهانه نیز آنگونه که تجربه ۱۴ ماه اخیر نشان داده است، قادر به بسیج و تأمین حضور فعال نیروهای اجتماعی گوناگون که موجب گسترش پایگاه اجتماعی جنبش و تغییر موازنه قوا بسود جنبش می گردد، نیست. تأکید بر پیوند بین آنها بویژه در شرایطی که رژیم در مواجهه با فروریزی بقایای پایگاه اجتماعی خود و خطر شورشهای اجتماعی به انواع و اقسام ترفندها و عوام فریبی ها و مانورها روی خواهد آورد، اهمیت زیادی دارد و هشجاری بیشتری را می طلبد.

د- جنبش دانشجویی به مثابه یک جنبش گسترده میلیونی و بالقوه سراسری و در عین حال متکثر دارای پتانسیل هائی است که در صورت آزاد کردن نیروی همبسته خود پیرامون اشتراکات و در جهت تعمیق پیوندهای متقابل خود با سایر جنبشهای اجتماعی بویژه جنبش کارگری و سایر اقشار مزد و حقوق بگیر، و پیوند با افکار عمومی و جنبش های جهانی (و برخورداری از یک نگاه جهانی)، می تواند نقش برجسته و خلاقانه خود را ایفا کند. نباید فراموش کرد که داشتن آرمان های انسانی و بی شمار بودن و هم چنین سنت و تجربه های مبارزاتی، بزرگترین نقطه قوت جنبش دانشجویی در مقابله با نیروهائی است که در اقلیت بودن، دفاع از واپسگرایی و سلطه طلبی از مهمترین ویژگی های آنهاست.